تضادهای قلمرو خواهی

در بحث tritoriallity یا قلمروطلبی جانوران بخصوص پرندگان عادت دارند که از قلمرو خودشان دفاع کنند. این رفتار های متضاد در جایی بروز میکند که دو قلمرو با یکدیگر برخورد کنند. اما این قلمرو چگونه تعیین میشود؟

محدوده قلمرو در گروه های مختلف جانوران متفاوت است مثلا در یک چهار پا قلمرو نسبت به سسک ها بزرگتر است.(قلمرو سسک یک یا دو درخت است). تعیین قلمرو به دلایل زیر صورت می گیرد:

1) منابع غذایی: اشکال مختلفی به خود میگیرد به عنوان مثال در پرندگان شکاری رابطه مستقیمی بین غذا و قلمرو وجود دارد. آنها از منطقه وسیعی دفاع میکنند چون غذی خود را تامین میکنند. اما قلمرو کاکایی نقره ای تنها یکی دو متر اطراف خود است اما غذای خود را از قلمرو تعیید نمیکند اما به طور غیر مستقیم با محدود کردن کلنی تعداد کاکایی هایی که از ساحل مجاور تغذیه میکند، کاهش میدهد.

2) جفت گیری: بر اساس جفت گیری قلمرو یا در زمان خاصی از سال ایجاد میشود مثلا در فصل های جفت گیری یا در بعضی بعضی جانوران در کل سال قلمرو تعیین میکنند. در خیلی از پرنده ها مخصوصا سسک ها دیده شده وقتی پرنده نری که بار اول وارد قلمرویی میشود، قلمرو بزرگتری انتخاب میکند ولی آنهایی که در مراحل بعدی وارد قلمرو میشوند، به مراتب قلمرو شان کوچکتر میشود به طوری که وقتی قلمرو یک گونه پرنده را مشاهده میکند، میبینند افرادی هستند که قلمرو های خیلی بزرگی دارند ولی افرادی هستند که دارای قلمرو های خیلی کوچکی اند و معمولا در حاشیه اند چرا؟ چون زمانی که افرادی در مرحله بعدی میرسند، رقابت ها بیشتر است و قلمرو کوچکتر کسب میکنند.

قلمرویی که در فصل های جفت گیری اتخاذ میشود، قلمرویی است که محدوده قلمرو چندان مهم نیست. در مقایسه با جانورانی که تعیین قلمرو شان بر مبنای تامین منابع غذایی است و محدوده قلمرو شان برایشان مهم است.

3- دوری از صیادان و بیماریها

فرار و حمله (scape and attack) از ویژگی های قلمرو است.

هر قلمرویی یک کانون دارد یعنی در مرکز این قلمرو جایی است که جانور بیشترین حساسیت را نسبت به دیگر مناطق این قلمرو دارد. اما هرچه از مرکز به حاشیه میرویم رفتار های قلمرو طلبی کمتر میشود. در تیلاپیا آرواره های هم را در هم می اندازند میکشند و هر کدام که قدرت بیشتری داشته باشد دیگری را تسلیم میکند. در ماهیان سیچلیده دندان ها را روی هم می اندازند و فشار میدهند و آسیبی به هم نمیزنند. جانور در داخل مرز های قلمرو خودش حالت تهاجمی هر موجود بیگانه که وارد قلمرواش شود، نشان میدهد. به مرزهایی میرسد که انگیزش های میزان تهاجم و فرار با هم برابر میشود. در مراحلی که یک حالت تردید بین فرار و حمله ایجاد میشود این منطقه قطعا مرز قلمرو است. چون وقتی از این مرز بگذرد توسط یک جانور دیگر در قلمرو دیگر مورد حمله قرار میگیرد و وقتی برگردد و جانور دیگری وارد قلمرو خودش شود، نسبت به آن جانور واکنش نشان میدهد. پس در مرز ها یک حالت تهدید داریم. مرز قلمرو در واقع مرزی بین فرار و تهاجم است که احتمال فرار و تهاجم با هم برابر میشود و تردید ایجاد میشود که با این حالت دورویی میگویند یعنی جانور نمیداند باید حمله کند یا فرار کند.

برای مثال در ماهیان سیچلیده (از گروه های ماهیان کپور) حمله و فرارشان حالت تناوب دارد. در تیلاپیا هم این حالت وجود دارد. وقتی دو پرنده به هم حمله میکنند، دیدگاه تکاملی این است که این حمله باید به نفع یکی از این دو تمام شود ولی نباید به قیمت از دست دادن جان یکی از آنها تمام شود در نتیجه از این دیدگاه تکاملی حمله یک حدی دارد. در گربه سانان یا خرس ها ممکن است در اثر حمله زخمی شوند ولی از یک جایی به بعد حمله را ادامه نمیدهند. یعنی به آستانه ای میرسند که آسیب بیشتر باعث از بین رفتن خودشان میشود. در تکامل حمله تعریف شده است.

در پرنده ی توک سیاه نر با اتمام جنگ با یک نر دیگر، پرنده نر پیروز، ماده خودش را هم تا مدتی مورد حمله قرار میدهد. این واکنش حمله تعریف شده است و ماده تا دو یا سه روز نمیتواند آشیانه بسازد چون توسط نر خود مورد حمله قرار میگیرد و بعد از دو یا سه روز این رفتار سرکوب میشود.

در پرندگان رقابت بر سر جفت رقابت های سنگینی است اما آن هم منجر به مرگ نمیشود. حیوانات عادت دارند قبل از اینکه بجنگند، ویزگی های خود را به رخ بکشند و پز میدهند ((postcher و سعی میکنند از جنگ دوری کنند اما در زمانی که تهدید بالا باشد، میجنگند. در مرال ها هر نری در فصول جفت گیری چند ماده دارند. زمانی که میخواهند انتخاب کنند شاخ های خیلی بلند و مدل راه رفتن برایشان مهم است که همان posture است. در اثر رقابت بوسیله شاخ هایشان درگیر میشوند که باعث ضربات جدی میشود ولی به مرگ نمیرسد.

پازن یا بز کوهی تا ارتفاع دو یا سه متری بالا میروند و از آنجا با سر ضربه میزنند و هر کس قدرت بیشتری داشته باشد، دیگری در مقابل آن تسلیم میشود. این ضربات باعث مرگ نمیشود.

فرار: فرار زمانی اتفاق می افتد که جانور میخواهد شکست بخورد و مبارزه بیش از آن باعث آسیب به او میشود.

نمایش های تهدید: زمانی که بین حمله و فرار تردید باشد، تهدید گفته میشود و تهدید حالت های مختلفی دارد مثلا در پرنده کاکایی برای نمایش تهدید در مرز های قلمرواش ایستاده و صدای بلندی در می آورد و گردن خود را بالا آورده و به جلو میگیرد و سر را به پایین میگیرید.

فرم تهدید ممکن است تغییر کند. گاهی اوقات اگر حالت فرار باشد گردن را به عقب میکشد و بال ها را کمی بالاتر میگیرد سر را افقی نگه میدارد یعنی آماده پرواز و فرار است. در شیرها و گربه ها نمایش تهدید را به صورت سیخ شدن موها داریم.

تهدید در مرز قلمرو است و حتما باید به یک نشانگر یا سیگنالی آشنا باشد تا تحریک شود مثلا اگر با لباس سفید در برابر یک غاز بایستیم، احتمال اینکه به ما حمله کند بیشتر است چون این سفیدی نشانگر یک غاز سفید دیگر است.

پرنده ها صداهای متفاوتی از خود تولید میکنند بعضی از این صدا تهدید و بعضی دیگر نشانه مالکیت یک جفت است. در برخی پرندگان مثل خروس ها در صورت نزدیک شدن به آنها تکان نمیخورند و فقط نگاه میکنند اما وقتی از حد خاصی نزدیکتر شویم حمله میکنند. یا پرندگانی که جوجه دارند چند متر دورتر از لانه می ایستند و به حرکات شما نگاه میکنند تا ببینند تهدید چقدر جدی است و وقتی نزدیک تر شوید رفتار دفاعی از خود نشان میدهند. پرنده ها با تراکم بالا میتوانند کنار هم زندگی کنند و این بخاطر قلمرو آنهاست.

تکامل صدا برای این است که تضاد و تعارض را کم کند.